

متن پیاده سازی شده نشست بیست و دوم (45) سال دوم درس خارج فقه هنر 31 اردیبهشت 1402

برای دریافت فایل [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين  
اللهم كن لوليك الحجة ابن الحسن صلواتك عليه و على آباءه فى هذه الساعة و فى كل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا  
وعينا حتى تسكنه أرضك طوعا و تمتعه فيها طويلا  
مجسمه سازی و نقاشی

ما گفتیم عمده دلیل در هنرهای تجسمی ، روایات هست که می توان از آن نکاتی را اصطیاد کرد و الا از عقل و اجماع و قرآن  
نمی توان در خصوص این هنرها به نتیجه خاصی رسید ...

در روایات ، هم قرار شد آنها را به چهار طایفه تقسیم کنیم ؛ طایفه اول: حرمت مطلقا - مطلقا  
که البته ما به حرمتش نرسیدیم... طایفه دوم : آن چه ذوات ارواح حرمتش در می آید (نقاشی و یا مجسمه)  
روایات این ها را هم خواندیم اگر یادتان باشد اما نسبت به این روایات ، تشدیدات و تزییفاتى وارد شده است . مثلا یک تشدید  
که نسبت به خیلی از روایات هم هست ، ضعف سند است.

مخصوصا روی آن مبنای فقه ریاضی آقای خوبی ... (فلان حدیث ضعف سند دارد یا دلالتش ضعیف است و ...)  
در برخی روایات که گفته شده عذاب بسیار شدید است، متناسب با این عملی که در روایات بیان شده، ندارد.  
عقل هم خوب چیزی است اگر روایتی آمد و گفت : ان اشد الناس عذابا المصرون .... (انسان کمی مشکوک می شود) به هر  
حال داستان چیست ؟ واقعا اشد الناس عذابا المصرون؟! موضوع قتل یا کفر یا زنا یا لواط یا دزدی باشد یک  
چیزی.... المصرون چرا؟!!

و لذا روی این حدیث دست گذاشتند ... از جمله مثلا شیخ صدوق که خود از بزرگان حدیث است ...  
یا یک مورد دیگری بود که با عبارت «فیه باس» تمام می شد و ما گفتیم فیه باس اعم است از این که کراهت است یا حرام ... یا  
آن چیزی که گاه در کلمات مرحوم امام خمینی بیان شده است که این ها مربوط به آن فضای بت پرستی بوده و ...  
بحث ما بر مبنای روش شناسی است تا موردی ...

یکی بحث ضعف اسناد است ؛ به نظر ما این روش خوبی نیست که برخی از فقها دارند... که می آیند این ها را اتمیک می گیرند  
و بعد هر کدام را جدا جدا سراغش می آیند ... به هر حال این ها ادله ای است که وقتی انسان نگاه می کند، روایات زیادی است  
ا زفریقین ..... سوال این است که ما می توانیم روی سند مناقشه کنیم؟  
بنابراین مناقشه سندی به گمان ما کار خوبی نیست...

بسیاری از این روایات یکی مشکل سندی دارد و بسیاری از این ها مشکل دلالی دارد .  
در یک تعاضد حلقوی ممکن است بسیاری از روایات مشکل سندی داشته باشند اما مشکل دلالی ندارند ... حیثیت مهم است؛  
نکته بعدی : در بحث تالیف کتاب ، داعی بر جهل زیاد بوده است لذا روایات زیاد دلیل بر استحکام مطلب نیست ؛  
واما نکته دیگری که دوست دارم شما دقت کنید، بحث عدم تناسب ها است ؛ ... این شدت عذاب نمی سازد با یک نقاشی ؛ ...  
ببینید حرف زیبایی است و کمی هم بوی روشنفکری می دهد ؛ متاسفانه علمای ما در این باره قراری ندارند . سوال ما از این  
طیف این است که شما تا کجا حاضرید روی حرف خودتان بایستید؟!!

این که این گونه روایات را از کار ببندازیم با این عنوان که تناسبی بین عذاب و عمل نیست، آیا شما حاضرید پای این قضیه بایستید؟

به علاوه اگر حاضر شدیم ، این چه وجه فنی و اصولی دارد؟ ما فردا می خواهیم فلان شیخ و فلان شیخ را راضی کنیم ... ما در بحث ثواب ها هم همین اشکال را داریم ... که آیا ثوابهایی که بیان شده تا چه حد با این عمل ها متناسب است؟ گاه صرف تفضل است و گاه با یک عمل دیگر می سنجد .... مثلا می گوید اگر یک زیارت عاشورا بخوانید ثواب هفتاد هزار شهید در رکاب پیغمبر را دارد...

یا ثوابهایی که برای جماعت بیان شده است!!!

یا ممکن است جهت خاصی داشته است مثلا زیارت امام رضا علیه السلام به نوعی دهن کجی به واقفیه بوده است ....

یعنی یک جریان سیاسی اجتماعی بوده است و یا زیارت امام حسین علیه السلام

اگر کسی بتواند قراری روی این تناسب داشته باشد ، ارزشمند است والا موجب انصراف است

باید دید آیا در مورد هم همین طور است ؟ معتقدم در مورد از همان هایی است که باعث انصراف می شود ...

ضمن این که معارض هم دارد ... ما روایاتی داریم که فقط مجسمه در زیروح را رد می کند . یا حتی مجسمه زیروح را جایز می داند مطلقا - مطلقا

بنده نوشتم که : این روایات - طایفه دوم - یا دلالت ندارد یا اگر هم دارد ، معارض دارد .

طایفه سوم را من نوشتم : الاخبار الظاهره فی عدم حرمة ما لیس لذوات الارواح ؛ غیر ذوات ارواح حرام نیست .

مؤثقه ابوالعباس ... معتبره ابن مسلم ، روایت تحف العقول ، فقه الرضا ، معتبره زراره ، حلبی ... این ها دلالت می کند اگر از

ذوات ارواح نباشد اشکالی ندارد. وسائل ج 10 ، ابواب ما یکتسب به ، باب 94 و یک بخشی هم در جلد 5 وسائل است ... باب 4

آن چه برای ما مهم است قد یستظهر من جواز التصوير و التجسیم مطلقا (من الجواز مطلقا - مطلقا )

البته فقها یک مجوزهایی داده اند این که یک تکه باشد یا مجسمه پشت نداشته باشد یا صورت نداشته باشد یا فقط سر باشد و

بدن نباشد و ... یا برخی گفته اند دو سه نفر یک مجسمه را بسازند اشکال ندارد!!

مثل جریان بانک که وامی داده می شود ؛ آیا اگر ربوی باشد رئیس بانک مسئول است یا کارمند پرداخت وام یا صندوقدار و

....

بحث اشتراک در حرمت مطرح می شود که بنده هم در این باره مقاله ای دارم . (مشارکت در حرام و استناد معصیت) که

حقوق اسلامی پژوهشگاه چاپ کرده است ، زمستان 94

آیا میدانید بحث کجا باید دنبال شود؟ در بحث اقتنای صور ..

میدانید که شیخ هم این بحث را دارد

فردی ممکن است انواع صور مجسمه را اقتنا می کند و در خانه دارد .

روایات و فتاوا هم داریم ... به هر حال نباید این روایات را دست کم گرفت .

مکاسب این جا یک ترازو درست میکند و نهایتا هم قائل به جواز می شود .

همین شیخی که صور مجسمه را حرام میدانند ولی اقتناء صور مجسمه را جایز میدانند ؛

این جا ممکن است کسی بپرسد که چه ربطی به هم دارد؟

من اینجا نوشته ام ما چهار راه داریم

راه اول این است که همین که گفتیم ؛ این ها هیچ ربطی به هم ندارد ؛ چه بسا ساختش حرام باشد اما نگهداری آن اشکال نداشته باشد

شما با مرکب نجس یا غصبی قران بنویس ؛ کار حرامی است ولی آیا می توانی این آیه را پاره کنی و از بین ببری؟

آقای منتظری لیست کرده ؛ کارهایی که انجامش درست نیست ولی وقتی هم که تحقق یافت و درست شد باید نگاه داشت و

اشکال ندارد .

کسی زنا می کند و زن حامله می شود ؛ به هر حال این ها اشتباه کردند که زنا کردند ولی سوال این است می توان و جایز است

که لگد زد و بچه را در رحم مادر از بین برد؟!!!

این جا آقای منتظری می گوید این ها به هم ربطی ندارد و اگر این طور باشد ما مورد چهارم را نداریم  
دوم: این که ما بگوییم جواز اقتنا را هم قبول نداریم  
آیا کسی هم این ادعا را کرده است؟

برخی هم گفته اند که اقتنای مجسمه جایز نیست اصولاً چون ساخت و تهیه اش حرام است ..  
چیزی که ایجادش حرام است بقائش هم حرام است  
اگر آمدیم از اقتنا رسیدیم به عمل ....

این روایات می شود معارض با روایات طایفه اول و دوم  
قدر متیقن از هر کدام باید گرفت

قدر متیقن از حرمت بگیریم جاهایی که باری تکریم یا بزرگداشت است

این طرف هم قدر متیقن بگیریم برای جاهایی که برای تقدیس و تکریم نباشد ...

من آدرسی به شما بدهم که آقایان نداده اند و آن هم باب روایات مساکن است ؛ یعنی اهل بیت قائل شدند که اگر شما قصد  
تکریم نداشته باشید ، اشکال ندارد .

مثلاً میخواهید نماز بخوانید جایی که مجسمه است صرفاً گفته می شود که یک پرده روی آن بپنداز ... احکام مصلی و یا احکام  
مساکن باب 4 قسمتهایی است که میتوان مراجعه کرد ، ابواب ما یکتسب به ، باب 94 ....

آیا شما میدانستید این نقاشی ها بی که روی در و دیوار هست اگر جنبه شخص داشته باشد ، مشکل است ...  
حداقل ما احتیاط می کنیم؛

گفتم: والذی یخطر بالبال بعد التتبع و التحقیق فی ما ورد من النصوص ... جواز تصویر ذوات الارواح بالنقش و التجسیم اذا لم  
یکن بداء التقدیس و التکریم و التعبید .... و ان کان احتیاط الذی لا ینبغی ان ... ثم لو قلنا بالمنع .... من نفهمیدم چرا بین نقاشی  
و مجسمه تفاوت گذاشته اند .... یا باید مطلقاً در ذوات ارواح مطلقاً قائل به منع شد یا مطلقاً به جواز

ممکن است شما مجسمه سعدی را داشته باشید نه به این عنوان که او را تکریم کنید به این عنوان که زبان و ادب فارسی تکریم  
شود ....

یا تصویر شهدا در میادین به این عنوان نصب شده که به نوعی تکریم راه آنان باشد نه شخص شهدا مد نظر باشد ؛ باید کار  
شود و

به هر حال جای کار دارد که در قالب یک مقاله یا پایان نامه کار شود.